

به یکتن از اسطوره های مقاومت (مجید)

رحیمه توخی

۱ فبروری ۲۰۰۸

اعدام ...

جلوه گر در چشمم ، شگردِ رزمِ تصویری
اندوه و جنون گردند ، نا امید ز فکر تسخیرم
کشیدندم در این دخمه ، چیست راه نجاتم
آرزویم رزم است ، زندان نتوان کرد اسیرم
از نیاز رهائی خلق ، چشم جهان بین شد
دژ و دژبان لرزند ، از شرنگ زنجیرم
اندیشم به راه خویش ، برسو و خطای خویش
باشد شکنم روزی ، زولانه و زنجیرم
از درد بخود پیچم ، به آزادی انسان اندیشم
نسازد زمین گیرم ، این غل و زنجیرم
تا نشنوند دژخیمان ، از درد فغان من
خفه در گلو سازم ، ناله های شبگیرم
چون سرو ، بلند قامتم ، ریشه در زمین دارم
خم نتوان کرد توفانم ، چونکه سخت تعمیرم
جولان گهی نباشد از برای پروازم
می پرد ز رخنه های قفس ، پرتیرم
ز اعدام شاد نگرد ، پای مکوب ، جلاذ مزدور!
اعدام ، نام دیگر است بر تداوم تکثیرم
